

دوفصلنامه علمی - تخصصی اندیشنامه ولایت

سال پنجم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۸

صفحات ۱۲۹ - ۱۰۹

مبانی فقهی تقریب مذاهب اسلامی از منظر امامین انقلاب

محمد شریفی *

حمید ملک‌مکان **

چکیده

ضرورت تعامل و تقریب بین آراء و نظریات فقهی مذاهب اسلامی بی‌تردید از بایسته‌های استحکام امت جهانی اسلام به شمار می‌آید که در این نوشتار با برشمردن و تحلیل مبانی فقهی و دیدگاه‌های فریقین منطبق بر نظرات فقهی امامین انقلاب که در راستای تحکیم و مرمت بنای وحدت و تقریب امت اسلامی تلاش‌های وافر را مبذول داشته‌اند و با صدور فتاوی تقریبی برگرفته از ریشه‌های عمیق قرآنی و روایی، گام بزرگی در جهت تحقق آرمان همبستگی جهان اسلام برداشته‌اند؛ بر آنیم که با اتخاذ مواضع مشترک و همدلی و همکاری فریق اسلامی در جهت ایجاد تفاهم و تبادل آرای فقهی و با تأسی به سیره پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار ﷺ و منویات و اقدامات امامین انقلاب، دیگر بار ملل اسلامی در سایه بنیادها و شالوده‌های دینی و فقهی و همزیستی مسالمت‌آمیز، قله‌های رفیع تکامل و نظام امت واحده جهانی صلابت و اقتدار پیشین خود را بازیابند.

کلیدواژه‌ها: فقه، مبانی فقهی، تقریب، اجتهاد، تقیة مداراتی.

* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی علیه‌السلام.

** استادیار دانشگاه تهران، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی (نویسنده مسئول: h.malekan@ut.ac.ir)

مقدمه

اتحاد و همبستگی جوهره قوام و پایداری حیات و هستی است و در سایه اتحاد و همزیستی مسالمت‌آمیز است که جوامع به هم پیوسته انسانی می‌توانند بر اساس اقتدار و صلابت حرکت ملت‌ها را به سمت رشد و بالندگی پایه‌ریزی کنند.

رسول گرامی اسلام ﷺ با بعثت در سرزمین حجاز و مردمی در نهایت عصبیت قبیله‌ای و با دل‌های آکنده از کینه و خشم و نفرت علیه همدیگر، توانست به برکت تابش انوار الهی دل‌هایشان را نرم و مهربان ساخته، کینه و عداوت را از درونشان بزداید و الفت و حسن تفاهم و برادری را جایگزین آن سازد، به‌گونه‌ای که مسلمانان توانستند در سایه اتحاد و همبستگی علی‌رغم وجود تنوع قومی، نژادی، زبانی و فرقه‌ای یکی از بزرگ‌ترین تمدن‌های بشری را پایه‌گذاری کنند و تا قرن‌ها بخش وسیعی از جهان را در سیطره حوزه تمدنی اسلام قرار دهند؛ اما متأسفانه دشمن که به نقش تعیین‌کننده اتحاد و همدلی در ایجاد قدرت و صلابت مسلمانان پی برده بود، توانست با نفوذ و تهاجم همه‌جانبه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... به‌مرور زمان پایه‌های اقتدار جهان اسلام را فرو ریزد و دچار گسست و اختلاف و تفرقه نماید.

در عصر کنونی نیز دشمنان اسلام و در رأس آنان استکبار و صهیونیست با شیوه‌های نوین تبلیغاتی و فرهنگی و تسلط بر شبکه‌های گسترده ارتباطی و اطلاعاتی جهان، تمامی ابزار و امکانات خویش را در راستای ضربه‌زدن به کیان اسلام و هویت فرهنگی مسلمانان به کار گرفته است، به‌عنوان نمونه، ظهور فرقه‌های نوظهور، گروه‌های ضاله طالبان، داعش وهابی و ... به نام اسلام، تیشه بر ریشه اتحاد و همبستگی امت اسلام زده، و بذر خشم و نفرت و تفرقه را میان فریق و مذاهب اسلامی می‌کارند.

از این‌روست که ضرورت و اهمیت پرداختن به تقریب مذاهب و بسترسازی برای ایجاد وحدت و همگرایی ملت‌های مسلمان اهمیتی بسیار بالا داشته و راهبردی اساسی است که البته دستیابی به این مهم، راهکارها و راهبردهای مبتنی بر ارکان، مبانی و شالوده‌های استوار دینی و فقهی را می‌طلبد. پژوهش حاضر، به دنبال آن است که مبانی و اصول مشترک دینی را بر پایه‌های فقه اسلام که متفق‌القول شیعه و برادران اهل سنت است را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

تعاریف و مفاهیم

مبانی: مبانی جمع مبناست. در لغت، معانی همچون «بنیاد»، «شالوده»، «اساس» و «پایه» دارد (دهخدا، ۱۳۴۵، ج ۱۲).

فقه: فقه در لغت به معنای «فهم عمیق و نافذ» به کار رفته و گفته شده است که فقه، «فهم همراه با استنباط است» (ابن‌منظور، ۱۴۱۶، ج ۲۳: ۵۲۲).

مبانی فقهی: مبانی فقهی در این تحقیق اصول مسلم فقهی است که بین همه مذاهب اسلامی مشترک بوده و پایه‌ها و اصول ثابت فقهی و دینی مذاهب بر اساس آن پایه‌گذاری و استوار شده است.

تقریب: تقریب باب تفعیل از ماده «قُرب» ضد «بُعد» است. «القرب، نقیض البُعد» به معنی نزدیک کردن و تقارب و نزدیک شدن به یکدیگر است (همان، ج ۱۱: ۸۵).

تقریب در اصطلاح مذاهب اسلامی، کوششی جدی برای تحکیم روابط میان پیروان این مذاهب از راه درک اختلاف‌های موجود میان خود و زدودن پیامدهای منفی این اختلافات و نه اصل اختلافات (خسروشاهی، ۱۳۸۹: ۱۷).

مفهوم تقریب از دیدگاه اندیشمندان مسلمان

تقریب از نظر مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، عبارت است از نزدیک شدن پیروان مذاهب اسلامی برای شناخت یکدیگر به‌منظور دستیابی به اخوت دینی بر اساس اصول مسلم و مشترکات اسلامی.

آیت‌الله تسخیری رحمته‌الله علیه دبیر کل پیشین مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در این باره می‌فرماید: «تقریب، عبارت است از پابندی به بنیادها و اصول مسلم اسلامی و همکاری در عرصه‌های مشترک مذاهب» (تسخیری، ۱۳۸۳: ۱۹۸).

دکتر محمد الدسوقی، استاد دانشگاه قطر، نیز تقریب را این‌گونه تعریف می‌کند: «تقریب بین مذاهب، در اصل و جوهرش، تلاشی است جهت درهم‌شکستن تعصب و جمع کردن کلمه امت پیرامون اصل اسلامی دین» (سبحانی، ۱۳۸۰: ۱۸۸).

بنابراین، تقریب، تلاشی است جهت کاهش اختلاف مذهبی مسلمانان، تأکید بر نقاط مشترک و گسترش آن‌ها تا حد امکان، معذور دانستن یکدیگر در موارد اختلافی و عدم تعصب بی‌جا نسبت به آراء و نظریات دیگران.

مبانی و محورهای فقهی تقریب مذاهب اسلامی

۱. باورها و ارزش‌های مشترک مذاهب

ارزش‌های مشترک مسلمانان، یکی از مبانی تقریب پیروان مذاهب اسلامی است. وجود ارزش‌های مشترک می‌تواند مسلمانان را به این مرحله برساند که همدیگر را تحمل کنند و سخنان مخالف را بشنوند و بدون باطل مطلق انگاشتن دیگری، با تکیه بر حقانیت خود، تمدن اسلام را بر پایهٔ اسلام رحمانی ساخته و به جهانیان معرفی کنند.

اقتضای امت واحد، وجوه مشترک فقهی و اعتقادی بین مسلمانان است که مهم‌ترین مؤلفه‌های مشترک بین مذاهب که همه به آن اعتقاد راسخ دارند، «خدای واحد»، «پیامبر واحد»، «کتاب آسمانی واحد»، «مبانی و قواعد فقهی» همچون وجوب حسن معاشرت با سایر مذاهب اسلامی، «حرمت اهانت و توهین به مقدسات آن‌ها»، «احترام به عقاید همدیگر در جامعهٔ اسلامی»، «تقیهٔ مداراتی» و ... که با تبیین علمی این مشترکات و زدودن بسترهای نزاع و تعصب کورکورانه مذهبی به زیربنای محکمی برای تقریب مذاهب اسلامی دست یافت؛ به طوری که بسیاری از نزاع‌ها و جنگ‌های خونین مسلمانان در اثر نادیده گرفتن همین ارزش‌های مشترک بوده است.

حضرت امام خمینی علیه السلام توجه به مشترکات را به عنوان مبنای اصلی یک امت واحد می‌داند و می‌فرماید: «ما همه تحت لوای توحید مجتمع هستیم. ایران، مال همه است و توحید، مذهب همه است و مبدأ و معاد، ایدهٔ همه است و ما این مشترکات را داریم و ملت واحد هستیم» (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۱، ج ۵: ۳۴۶).

و در جایی دیگر می‌فرماید:

امروز اختلاف بین ما، تنها به نفع آن‌هایی است که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و سایر فرق، ما باید به این معنا توجه بکنیم که همهٔ ما مسلمان هستیم و همهٔ ما اهل قرآن و توحید هستیم و باید برای قرآن و توحید زحمت بکشیم و خدمت بکنیم (همان، ج ۱۳: ۵۴).

مقام معظم رهبری نیز اجتماع حول محور معارف ناب اسلام را یقیناً سبب آن می‌دانند که دل‌های پیروان مذاهب اسلامی را به هم نزدیک و صمیمی خواهد نمود و تقریب واقعی شکل خواهد گرفت:

امروز دشمن واحدی در مقابل ماست، افزون بر این که کتاب واحد، سنت واحد، پیغمبر واحد، قبله واحد، کعبه واحد، حج واحد، عبادات واحد، اصول اعتقادی واحد، در جامعه اسلامی است. البته اختلافاتی هم وجود دارد. اختلافات علمی، ممکن است بین دو نفر عالم باشد؛ علاوه بر این‌ها، دشمن در مقابل دنیای اسلام است. مسئله اتحاد میان مسلمانان، یک امر جدی است (https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=4186).

۲. اجتهاد

اجتهاد در اسلام، گنجینه‌ای گران‌بها به شمار می‌رود. پذیرش اجتهاد و مشروعیت آن به معنای به رسمیت شناختن تعدد آراء و فتاوی مختلف است؛ البته اجتهادی که با رعایت اصول و مبانی آن صورت گرفته باشد.

اجتهاد از «جهد» مشتق شده و به معنای به کار بستن نهایت کوشش است در انجام دادن کاری یا به دست آوردن چیزی (ابن منظور، ۱۴۱۶، ذیل جهد).

اجتهاد، اصطلاحی مشترک بین مسلمانان، به معنای به کارگیری نهایت کوشش برای تحصیل ظن به حکم شرعی است (سید مرتضی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۱۸۸). برخی نیز به معنای تحصیل حجت بر حکم شرعی یا تبیین وظیفه عملی دانسته‌اند (علامه حلی، ج ۴: ۴۳۴).

تعریف اهل سنت

اجتهاد از نظر اهل سنت به معنای تشریح و وضع قانون از سوی فقیه در موارد فقدان نص و مصداق روشن آن قیاس است. این معنای خاص از اجتهاد نزد شیعیان حجیت ندارد (حکیم، ۲۰۰۱: ۳۸۵).

الف) معذوریت مجتهد

تفاوت فتاوا و آرای فقهی و کلامی، لازمه اجتهاد است. کمتر فروع فقهی مورد اجماع بوده و به‌طور طبیعی متفاوت و گاه متضاد می‌باشند؛ گرچه مسلمانان در فهم و استنباط مسائل کلامی، فقهی، تفسیری، حدیثی و ... اختلاف دارند؛ اما در باورهای بنیادین اسلامی همچون توحید، نبوت و معاد اتفاق نظر کامل دارند.

نکته حائز اهمیت آن که، باید دانست در هر صورتی در اجتهاد که از روی ادله و منابع شرع، احکام استنباط می‌شود، خطا پیش‌بینی می‌شود و احتمال خطا در استنباط و اجتهاد وجود دارد، شارع، مشروعیت اجتهاد را با فرض پیش‌بینی و احتمال خطای مجتهد، تأیید کرده است. از این رو، در اجتهادی که در مسیر ضوابط شرعی جاری گشته است، توبیخ مجتهد نادرست خواهد بود. تنها راه عقلانی تعامل با خطای احتمالی اجتهاد، معذور دانستن مجتهد است. رسول گرامی اسلام ﷺ در این باره می‌فرماید: «هرکس اجتهاد کند و اجتهادش مطابق با واقع باشد، دو پاداش بر اوست و اگر در اجتهادش خطا کند، اجر واحدی بر اوست» (همان)!

حال کسی که در قبال اجتهادش نزد خداوند مأجور بوده و پاداش دارد، چگونه ممکن است نزد انسان‌ها معذور نباشد.

ب) مشروعیت اجتهاد

باب اجتهاد در طول تاریخ مذاهب اسلامی، هیچ‌گاه مسدود نبوده است و بی‌شک اگر اختلاف‌نظر در اجتهادات فقهی علمای اسلام نمی‌بود، امروزه شاید فقه اسلام به این پویایی و بالندگی نمی‌رسید؛ زیرا امور امت در کفه بررسی علمی و عقلی گرفته و دچار خمود نمی‌شود و راه تفکر و تعقل همیشه باز است، پس باید تفاوت در روش‌های اجتهادی و نظرات فقهی با محور قرار دادن قرآن و سنت و با نگاه علمی امری مطلوب و با ارزش نگریده شود.

بر این اساس، چنان‌چه امت اسلامی با همین نگاه، تفاوت نظریات فقهی علمای اسلام را با احترام متقابل، حمل بر مشروعیت و معذوریت جریان اجتهاد مورد توجه قرار دهند، به یقین، تفاوت و اختلاف‌نظر فقهی و برداشت‌های کلامی و تفسیری که طبیعت نظری بودن آن‌ها و گریزناپذیر است، می‌تواند پایه‌های اخوت و برادری مذاهب اسلامی را مستحکم و بسترهای رشد و شکوفایی فقه اسلامی را فراهم سازد.

یکی از مهم‌ترین دلایل اجتهاد، مراجعه به نصوص قرآن است که خداوند در سوره توبه می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ
وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾؛ مؤمنان نمی‌توانند همگی به سفر بروند؛

۱. «مَنْ اجْتَهَدَ فَأَصَابَ فَلَهُ أَجْرَانِ وَمَنْ أَخْطَأَ فَلَهُ أَجْرٌ وَاحِدٌ».

چراکه از هر گروهی، دسته‌ای به سفر نروند تا دانش عمیق تحصیل نمایند و قوم خود را آنگاه که به سوی آن‌ها بازگشتند، همداردهنده باشند که آن‌ها از مخالفت با خدا و عذاب او^۱ بپرهیزند (توبه: ۱۲۲).

و نیز روایت رسول گرامی اسلام ﷺ که پیش از این به صورت زیر مطرح شد: «مجتهد در استخراج و استنباط حکم اگر به حق دست یابد، دو اجر دارد و اگر به خطا رفت، دارای یک اجر است» (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۸: ۱۵۷).^۱ مجوز اجتهاد در هر زمانی برای حل مشکلات فقهی و اعتقادی مسلمانان به شمار می‌رود. زمانی که اجتهاد مشروعیت داشته باشد و از سوی شارع به رسمیت شناخته می‌شود، اختلاف دیدگاه‌ها بر اساس ضوابط شرعی پذیرفته است و لازمه مشروعیت اجتهاد، پذیرش دیدگاه‌های مختلف و احترام به آرای آنان است.

ائمه علیهم‌السلام نیز مسلمانان را به اجتهاد ترغیب می‌کردند. امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: «وظیفه ما القای اصول و وظیفه شما، ردّ فرع به اصل است» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷: ۶۲).^۲

نظیر همین حدیث را امام صادق علیه‌السلام بیان نموده‌اند: «ما بیان اصل می‌نماییم و تفریع فروع از اصول و تطبیق آن بر موارد بر عهده شماست» (همان). امام خمینی نیز اجتهاد در دوره ائمه علیهم‌السلام را نظیر اجتهاد در دوره حاضر می‌داند (امام خمینی علیه‌السلام، ۱۴۱۸: ۷۱). این روایات دلیل محکمی بر تفقه در دین و دلیل بر مشروعیت و مقبولیت اجتهاد می‌باشند.

ج) خاستگاه اختلاف مذاهب

اختلاف مذاهب اسلامی را می‌توان اختلاف نظر در برداشت و استنباط از کتاب و سنت دانست و مسلمانان در برداشت خود از قرآن کریم، هرچند قرآن کریم فصل الخطاب بوده و برایشان حجیت دارد؛ ولی زبان قرآن، قابلیت فهم یکسان برای همه را ندارد. همچنین وجود آیات متشابه که در ظاهر با یکدیگر در تضاد هستند و در منابع سنی و شیعه، به این مهم اشاره شده است. از رسول گرامی اسلام ﷺ روایت شده که فرمود: «قرآن، دارای جوهری است؛ پس شما آن را به بهترین وجه تفسیر کنید» (فیض کاشانی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۳۶).^۳

۱. این روایت از طریق اهل سنت نقل شده و علمای شیعه هم آن را پذیرفته‌اند. به نقل از معالم/الأصول: ۲۳۶.

۲. «عَلَيْنَا إِتْقَانُ الْأَصُولِ وَعَلَيْكُمْ التَّفْرِيعُ».

۳. قَالَ النَّبِيُّ: الْقُرْآنُ ذَلُولٌ ذُو وُجُوهِ فَاحْمِلُوهُ عَلَى أَحْسَنِ الْوُجُوهِ.

زمانی که امام علی علیه السلام ابن عباس را برای مذاکره به سوی خوارج فرستاد، فرمود: «به قرآن با خوارج به جدل و مناقشه نپرداز؛ زیرا قرآن دارای دیدگاه کلی بوده و تفسیرهای گوناگونی دارد» (نهج البلاغه، نامه ۷۷).

همچنین اختلاف مسلمانان در استنباط از سنت که مبتنی بر تفاوت نگاهشان به وضعیت راویان سنت از نظر امانت، توثیق و ضبط حدیث و نیز در فهم متون و نصوص دینی و مسائلی نظیر حجیت خبر واحد و قیاس و استحسان و دلالت الفاظ بر مفاهیم تأثیر زیادی داشته و باعث شکل‌گیری مذاهب مختلف فقهی و کلامی شده که ناشی از اجتهاد مشروع در دین بوده و امری طبیعی و غیرقابل اجتناب شمرده می‌شود و از بین بردن این اختلاف، غیرممکن است (شاکر سلماسی، ۱۳۹۳: ۲۵۰). به‌عنوان مثال، منشأ اختلاف کلامی مسلمانان، مبتنی بر عقل و نقل است. گروهی با تکیه بر عقل، شالوده‌اندیشه کلامی خود را بنیان نهادند که به مکتب معتزله شهرت یافتند و گروهی در مسائل کلامی بر حدیث تکیه داشتند و به اهل حدیث معروف شدند و گروهی دیگر مکتب کلامی خود را با تمسک به عقل و روایات امامان پایه‌گذاری کردند و به شیعه معروف شدند و همین‌طور گروه‌های مختلف دیگر از قبیل زیدیه، اسماعیلیه و اباضیه مکاتب خود را بر عقل، کتاب و تأویل نصوص بنیان نهادند.

از سوی دیگر، چون دستورات پیامبر صلی الله علیه و آله از ابتدا تدوین نشد و به طرق مختلف، نقل و به نسل‌های بعدی منتقل شده، هم محتوای کلمات و عبارات دچار خدشه شده و هم از نظر سندی نقل‌های متفاوتی وجود دارد که خود منشأ بسیاری از تفاوت دیدگاه‌ها و اختلاف نظرهای فقهی شده است؛ اما این اختلافات همه به مقتضای حکمت الهی است؛ زیرا چنان‌چه خداوند می‌خواست، می‌توانست تمام احکام شرع را به یک سبک نازل کند؛ اما اگر قرار بود مسائل فرعی و نظری هم مانند اصول ایمانی، یقینی و قطعی باشد، راهی برای تعقل و تفکر باقی نمی‌ماند؛ چراکه همواره امور امت اسلامی در بستر زمان و مکان بایستی در کفه بررسی علمی و عقلی قرار بگیرند تا دچار خمود نشوند (موتقی، ۱۳۷۰، ج ۲: ۶۴).

۳. تقیة مداراتی

در عصر حاضر، مسلمانان بیش از هر زمان دیگر نیاز به همزیستی مسالمت‌آمیز، تعامل و همگرایی دارند. امروز در کشورهای اسلامی شکاف‌هایی به نام مذهب، قوم، قبیله و ... میان مسلمانان وجود دارد و از میان آن‌ها آتش نفاق و کینه طالبانی، داعشی، وهابی و ... زبانه می‌کشد. در این میان، شماری افراد نادان و کج‌اندیش، خواسته یا ناخواسته، آلت دست آنان شده و این شکاف‌ها را بیشتر کرده و به شعله‌ور شدنش کمک می‌کنند. یکی از راهبردها در دین اسلام برای رسیدن به همگرایی، همبستگی و زندگی مسالمت‌آمیز، تقیة مداراتی است. مسلمانان می‌توانند با این ظرفیت که فقه اسلام ایجاد کرده، با یکدیگر ارتباط برقرار ساخته، تبادل افکار کنند و از نقطه‌نظرهای مثبت همدیگر بهره‌برند. با برخورد‌های مسالمت‌آمیز و احترام به عقاید همدیگر در جامعه اسلامی، می‌توان توطئه‌های دشمن را خنثی کرد و سوءتفاهم‌های واهی را برطرف ساخت.

معنای لغوی و اصطلاحی تقیه

شمار زیادی از واژه‌شناسان و فقیهان، معنای اصلی «تقیه» را حفظ و صیانت دانسته‌اند. مانند ابن‌منظور در *لسان العرب* (ج ۵: ۴۰۲)، راغب در *المفردات* (ص ۸۸۱)، مرحوم خوئی در *التنقیح* (ج ۵: ۲۵۳). از نظر اصطلاحی، فقیهان و دانشمندان شیعه و سنی تعاریف گوناگونی از تقیه ارائه کرده‌اند از جمله: شیخ مفید در *تصحیح الاعتقاد*، طوسی در *التبیان*، طبرسی در *مجمع البیان*، و از علمای اهل سنت، سرخسی در *المبسوط* و رشید رضا در *المنار* (موسوی سنگلاخی، ۱۳۹۲: ۲۳-۲۰)؛ که برگزیده این تعاریف از لحاظ جامعیت و مانعیت در رساله‌ای به همین نام از فاضل لنکرانی است و می‌فرماید: «تقیة مداراتی عبارت است از: مدارا، نرمش، خوش‌برخوردی و همزیستی مسالمت‌آمیز با سایر مذاهب و ادیان».

تقیة مداراتی در برابر تقیة خوفی قرار دارد و هدف از این قسم تقیه، حُسن معاشرت و مدارا و جلب مودت و در نتیجه، تحقق وحدت و انسجام اسلامی از یک طرف میان مسلمانان با شرکت یکپارچه در شعائر الهی و نماز جماعت و سایر مظاهر وحدت و در حقیقت، حصول وحدت کلمه میان همه مسلمانان و عدم پراکندگی آنان مخصوصاً در برابر کافران و دشمنان است؛ به‌طوری‌که پیروان مذاهب حق، مورد تغییر و مذمت و خواری قرار نگیرند و با شرکت در جماعات، رفع

هرگونه اتهام از خود بنمایند و با الزام به شرکت در جماعات و مانند آن، خود را از صف مسلمین جدا نکرده و دچار مخاطره نگردند.

این قسم تقیه مورد تأکید ائمه علیهم السلام قرار گرفته و با تحریص و ترغیب پیروان خویش را به رعایت آن وادار نموده‌اند (همان: ۷۳).

دلیل مشروعیت تقیه مداراتی عبارت از: آیات، روایات، فطرت، عقل، سیره متشرعه و بنای عقل است (همان).

ادله مشروعیت تقیه مداراتی

آیات و روایات فراوانی دال بر مشروعیت تقیه مداراتی در تفاسیر و کتب روایی شیعه و اهل سنت وارد شده است که بر لزوم مشروعیت مدارا و اتحاد و برادری تأکید فراوان کرده‌اند. افزون در سیره متشرعه در فقه شیعه، برای مشروعیت تقیه مداراتی و تأیید و اتصال آن به زمان معصوم علیه السلام آمده و بیانگر آن است که ائمه معصوم علیهم السلام در تمام عمر با مردم مدارا و رفتار نیک کرده‌اند، به‌ویژه با پیروان دیگر مذاهب.

آیه دفع به نیکی و احسن

﴿وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَلَا سِیئَةُ اِدْفَعِ بِالَّتِی هِیَ اِحْسَنُ فَاِذَا الَّذِی بَیْنَکَ وَبَیْنَهُ عَدَاوَةٌ کَانَ وِلِی حَمِیْمٍ وَ مَا یَلْقَاها اِلَّا الَّذِیْنَ صَبَرُوا وَ مَا یَلْقَاها اِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِیْمٍ﴾؛ هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه خواهی دید، همان کسی که میان تو و او دشمنی و عداوت است، گویی دوست گرم و صمیمی تو گردد؛ اما جز کسانی که بهره عظیمی از ایمان دارند، به آن نائل نمی‌گردند (فصلت: ۳۵-۳۴).

شیخ طوسی در تفسیر تبیان می‌نویسد:

گفته شده است: «حسنه» در اینجا به معنای مدارا و «سیئه» به معنای سخت‌گیری است. خداوند متعال بندگانش را این روش آموخت؛ یعنی با مردم مدارا کن و بر آنان سخت‌گیر تا آن دشمنی که با تو در امر دین دشمنی و ستیز دارد از برخورد نیک و گشاده‌رویی تو با تو دوست صمیمی گردد (طوسی، ۱۴۱۴، ج ۹: ۱۲۶).

در تفسیر البرهان به نقل از مرحوم کلینی در *الکافی* آمده است: «امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از حسنه در آیه، تقیه است و مراد از سیئه، نیز افشا کردن اسرار است. همین طور آن حضرت، مراد از احسن را در این آیه به تقیه می‌داند» (بحرانی، ۱۴۱۶: ۲۷۲).

روایاتی که از طریق شیعه بر مشروعیت تقیۀ مداراتی دلالت دارند، در حد استفاضه و بلکه تواتر معنوی‌اند. این روایات در ابتدا به دو دسته قابل تقسیم‌اند، دسته نخست، روایاتی است که در رابطه با مدارا و برخورد با عامه و تقیۀ مداراتی وارد شده‌اند. دسته دوم روایاتی است که در رابطه با اتحاد و انسجام اسلامی وارد شده‌اند و مشروعیت تقیۀ مداراتی از آن قابل استفاده است. کلینی در *الکافی* به اسناد خود از ابی‌المغراء از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمودند:

مسلمان، برادر مسلمان است، به او ستم نمی‌کند، او را خوار نمی‌سازد، به او خیانت نمی‌ورزد. مسلمانان در راه تلاش در هم پیوستن، هم‌پیمان شدن در مهربانی کردن به هم، مشارکت در برآورده شدن نیازهای نیازمندان و مهربانی کردن، برخی از آنان نسبت به بعضی دیگر مکلف‌اند، تا همان‌گونه که خداوند تعالی فرمان داده «با یکدیگر مهربان باشید»، نسبت به یکدیگر مهربان باشید و نسبت به امری که مربوط به شما بوده و از شما فوت شده، بر آن روشی که گروه انصار در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند، اندوهناک باشید (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۹: ۴۹).

دلالت روایت هم بر مدعا روشن است؛ زیرا در بخش نخست روایت، حکایت از شدت اهتمام امام علیه السلام به مسئله دارد و در آن مسلمانان به برادری، ظلم نکردن نسبت به یکدیگر، خوار نساختن یکدیگر و خیانت نکردن آنان نسبت به یکدیگر توصیف و در حقیقت تکلیف شده‌اند.

صحیحۀ علی بن جعفر از امام کاظم علیه السلام

علی بن جعفر از برادرش امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده: «صَلَّى حَسَنٌ وَ حُسَيْنٌ خَلْفَ مَرْوَانَ وَ نَحْنُ نُصَلِّي مَعَهُمْ»؛ امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام پشت سر مروان نماز خوانده‌اند و ما نیز با آن‌ها نماز می‌خوانیم (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۳۰۱).

مرحوم فاضل لنکرانی و دیگر بزرگان از علما هم برای مشروعیت تقیۀ مداراتی به آن استناد کرده‌اند.

به نظر می‌رسد آن‌چه از سیره متشرعه و آیات قرآن برداشت می‌شود، موضوع فقه مداراتی، چه در لسان ائمه و چه در فعل و تقریر ایشان و همچنین برداشت عقلی و سیر عقلا، مبین این موضوع است که در صدر پیدایش اسلام، همواره مطرح بوده است؛ ولی امروزه به دلایلی از اهمیتی دوچندان برخوردار است.

نظر و دیدگاه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری در مورد تقیۀ مداراتی

و اما تقیۀ مداراتی که به آن ترغیب شده است که عبادت با آن از دوست‌داشتنی‌ترین عبادات و برترین آن‌هاست، ظاهراً اختصاص به تقیه از اهل سنت دارد - چنان‌که روایات فراوانی به آن دلالت دارد - شاید سرّ در آن، صلاح حال مسلمانان به وحدت کلمۀ آن‌ها و پراکنده نشدن جماعت آنان است؛ تا آنان در میان دیگر ملل ذلیل نشوند و زیر سلطۀ کافران و سیطرۀ اجانب قرار نگیرند (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۹۹).

همچنین حضرت امام علیه السلام در کتاب الطهارۀ ذیل عنوان تقیۀ مداراتی روایتی آورده، مبنی بر صحت اجزاء نماز با اهل سنت که از باب تقیۀ مداراتی به آن استناد شده است (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۵: ۵۵۳).

ما در مکتب تشیع و اسلام؛ بلکه در همه ادیان الهی یک اصلی به نام تقیه داریم و این اصل خیلی هم مهم است. این اصل خیلی هم ضروری و حیاتی است. امام علی علیه السلام درباره این اصل، به بیانات گوناگون تأکیدهایی عجیبی هم کرده است ... از جمله این روایات که می‌فرمایند: التَّقِيَةُ دِينِي وَ دِينُ آبَائِي (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۶۴: ۱۰۳).

یعنی تقیه، «آئین من و ممشای من و ممشای پدران من است». از جمله دیگر روایاتی که این معنا را تأکید می‌کند این است که می‌فرماید: «لَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَةَ؛ کسی که تقیه ندارد، دین هم ندارد» (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۱۷).

باید تقیه داشته باشید، اگر نداشته باشید، حتماً دین صحیح یا دین کامل نخواهید داشت. چند روایت این‌طوری داریم که مضمونش از نظر ما مسلم است، پس همه ما دین را به‌طور اجمال بدانیم که در اسلام و در شیعه، بلکه اشاره خواهیم کرد که در ادیان پیشین هم یک‌یک اصلی به نام تقیه وجود داشته و این اصل دارای اهمیتی هم بوده (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۳۳).

۴. حج

حج، به‌عنوان عبادتی سیاسی - اجتماعی از مهم‌ترین ظرفیت‌های درونی جهان اسلام برای بیداری اسلامی است که با گردهم‌آوری نمایندگانی از سراسر جهان اسلام در قالب انجام مناسکی یکسان در زمان و مکان واحد، هویت دینی و یکپارچگی و یکرنگی مسلمانان را رقم می‌زند. حج، از مهم‌ترین عبادات اجتماعی اسلام است که در تقویت وحدت و همبستگی جهان اسلام بسیار مؤثر است؛ زیرا با تکیه بر عناصر مشترک هویتی، تفاوت‌های فرهنگی و مرزهای جغرافیایی را کنار زده، تا همه مسلمانان را با ملاک هویتی جدیدی در مفهوم متعالی «امت اسلامی» منسجم کند (کوهن، ۱۳۹۰: ۱۰۷).

حج، یکی از شاخص‌ترین برنامه‌های جهانی اسلام است که ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی، عرفانی و فقهی دارد که همگی و همیشگی بودن آن سند گویای کلیت و دوام این دین الهی است (جوادی آملی، ۱۳۷۱: ۴۰).

حج، به‌عنوان عبادتی جهان‌شمول از ابعاد سیاسی و اجتماعی عمیقی در کنار ابعاد فقهی و عرفانی برخوردار است که ظرفیت‌های گسترده، عمیق و بی‌بدیلی در تقویت ایده امت اسلامی دارد و برآورد این ظرفیت‌ها را می‌توان در تقویت شخصیت دینی مسلمانان در بستر تمدن اسلامی دانست که فراتر از هویت‌ها و تشخص‌های ملی، بومی و فرهنگ‌های منطقه‌ای است، حج، نقطه مشترک و سبب اتصال و یکی شدن آن‌ها در عرصه بین‌الملل می‌شود و می‌توان در عرصه‌های سیاسی، ارتباطی، فقهی، اخلاقی و اقتصادی، تقریب نقاط مشترک و هویت دینی و تمرکز بر دشمن مشترک مشاهده کرد که در ادامه یکی دو مورد را به‌طور مختصر بیان خواهیم کرد.

تقویت نقاط مشترک

در تحلیل ارتباط عوامل وحدت با عوامل و قدرت‌های خارجی جهان اسلام، سنت‌ها و نظام ارزشی جایگاه ویژه‌ای دارند. بدین معنا که نیروهایی که به دنبال ایجاد وحدت و یکپارچگی هستند، باید عناصر اتحادبخش یعنی مؤلفه‌های بنیادین دینی که در میان همه مسلمانان مشترک است را به حرکت درآورند (سعدالدین، ۱۳۹۰: ۶۸).

اتحاد، دو ویژگی اساسی دارد: یگانگی درونی، پیوستگی بیرونی. اساس یگانگی درونی، به نقطه تشابه هویتی اشاره دارد که سبب ایجاد نقطه عزیمت مستحکمی است برای بنیادی عمیق

برای پیوستگی. پیوستگی بیرونی نیز متوجه حفظ و تداوم یگانگی درونی در عرصه حیات جمعی و در راستای دستیابی به اهداف ملی و بین‌المللی قابل تعریف است (شعب، ۱۳۸۹: ۲۵۹).

تمرکز بر دشمن مشترک

از عواملی که سبب وحدت و تقویت انسجام جبهه داخلی می‌شود، وجود دشمن مشترک است. دشمن مشترک سبب انسجام و یکپارچگی داخلی، هویت‌بخشی به جمع درونی و انگیزه‌ای برای تلاش و احساس در راه بودن است؛ زیرا بخشی از هویت با ضدیت معنادار می‌شود.

برائت از مشرکین در حج، این پیام را برای مسلمانان دارد که آن‌ها باید با وجود همه اختلافات و فرقی، بر محور توحید و کعبه متحد شوند و تمام کافران را به‌عنوان دشمن مشترک خود بدانند؛ یعنی افزون بر این‌که قبله، پیامبر و کتاب همه مسلمانان یکی است، دشمن آن‌ها نیز یکی است؛ چراکه دشمن مشترک همه مسلمانان - علی‌رغم تفاوت‌های سیاسی و جغرافیایی آن‌ها - در کافر بودن یکسان است (محمدی، ۱۳۹۳: ۳۸).

از دیدگاه امام خمینی علیه‌السلام رسالت سیاسی حج، برائت از مشرکین است و با توجه به مسائل جهان اسلام و اقدامات ضد اسلامی آمریکا، برائت از آمریکا و اسرائیل باید در رأس این مسئله قرار گیرد: به حج می‌روند و حجاج به وظیفه خود که برائت از مشرکین و آمریکا و اسرائیل است، عمل می‌کنند. ممکن نیست حجاج ما به حج بروند و دست به تظاهرات علیه استکبار جهانی نزنند. اصولاً برائت از مشرکین از وظایف سیاسی حج است و بدون آن، حج ما، حج نیست (صحیفه امام، ۱۳۶۱، ج ۲: ۳۱۷).

همچنین مقام معظم رهبری در خصوص ظرفیت عظیم حج و این‌که رمز وحدت و عزت و نماد توحید و معنویت است و نمایش اتحاد و پیوستگی امت اسلامی است؛ می‌فرماید:

حج برای امت اسلامی یک فرصت است. در این خیل عظیمی که در حج هر سال شرکت می‌کنند ... اگر ندای اتحاد اسلامی (وَلَا تَفَرَّقُوا) این مجموعه حاکم باشد، شما ببینید چه اتفاق عظیمی می‌افتد، دیگر همه این مایه‌های اختلاف کم‌رنگ می‌شود. یکی سنی است، یکی شیعه است، در میان شیعه، فرقی مختلف، در بین سنی، فرقی مختلف؛ فقه‌های مختلف، مذهب‌های مختلف، عادت‌های مختلف است که به‌طور طبیعی به جدایی می‌انجامد. همه این‌ها را این دست مهربان حج جمع می‌کند، به هم نزدیک می‌کند، در هم فشرده می‌کند

حضرت امام خمینی علیه السلام در اغلب سخنان و پیام‌های خود مسلمانان جهان را به وحدت فرامی‌خواند و از هرگونه تفرقه و اختلاف بر حذر می‌داشت، کسی که با اندیشه بلند و همت والایش به امت اسلامی حیات نو بخشید. با درک اهمیت موضوع تقریب فتاوایی صادر نمودند که کمک شایانی در همبستگی و رفع اختلاف امت اسلامی به وجود آورد:

مسئله حج و رعایت اصول برادری

ایشان در سخنان و فتاوای فقهی خود و تمامی مواضع به‌ویژه در همایش بزرگ و جهانی حج با پیروی از سیره ائمه طاهرين علیهم السلام شیعیان را به مراعات شروط وحدت و اخوت اسلامی و شرکت در نمازهای جماعت برادران اهل سنت و پرهیز از رفتارهایی که موجب آسیب به وحدت و اخوت اسلامی می‌شود، توصیه فرموده‌اند:

لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلانه که موجب تفرق صفوف مسلمین است، احتراز کنند و لازم است در جماعت اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد نماز جماعت در منازل و گذاشتن بلندگوهای مخالف رویه اجتناب نمایند و از افتادن روی قبور مطهره و کارهایی که گاهی مخالف شرع است، جداً اجتناب کنند (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۵، ج ۱: ۶۲).

مسئله طواف و تبعیت از قضات اهل سنت در وقوفین

ایشان در پاسخ به استفتایی در خصوص طواف و تبعیت از قضات اهل سنت در وقوفین می‌فرماید: طواف را به نحو متعارف که همه حجاج به‌جا می‌آورند، به‌جا آورند و از کارهایی که اشخاص جاهل می‌کنند، احتراز شود؛ و مطلقاً از کارهایی که موجب وهن مذهب است، باید احتراز شود. در وقوفین، متابعت از حکم قضات اهل سنت لازم و مجزی است؛ اگرچه قطع به خلاف داشته باشید (همان، ج ۱۰: ۶۴).

جواز شرکت در جماعات اهل سنت

در استفتایی که از ایشان صورت گرفت، مبنی بر خواندن نماز جماعت پشت سر اهل سنت «برای شرکت در نماز جماعت اهل سنت باید به وظایف نماز فرادی عمل کرد یا احکام جماعت؟» این‌گونه پاسخ می‌دهند: «وظیفه، جماعت است و احکام جماعت را دارد» یا در مورد پرسش «با توجه به این‌که اهل سنت دست‌بسته نماز می‌خوانند و آمین می‌گویند، آیا در حال اختیار، شیعیان می‌توانند

در نماز جماعت اهل تسنن شرکت کنند؟» می‌فرماید: «در مورد تقیه شرکت جایز و نماز صحیح است و مختص به مورد ضرورت نیست» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۵۰: ۲۳).

طرح تقیه مداراتی

حضرت امام خمینی علیه السلام در کتاب رساله‌ای در تقیه، از دو نوع تقیه سخن می‌گوید:

الف) تقیه اضطراری که از روی ترس و بیم است و برای حفظ جان، آبرو و دارایی خود یا برادر ایمانی و یا ترس از ضرر رسیدن به حوزه اسلام و اختلاف کلمه میان مسلمانان است.

ب) تقیه مداراتی که آن‌چه مطلوب است، وحدت کلمه مسلمانان است با محبت و دوستی.

امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

و اما تقیه مداراتی که به آن ترغیب شده است که عبادت با آن از دوست‌داشتنی‌ترین عبادات و برترین آن‌هاست، ظاهراً اختصاصاً به تقیه از اهل سنت دارد - چنان‌که روایات فراوانی به آن دلالت دارد- و شاید سر در آن، صلاح حال مسلمانان به وحدت کلمه آن‌ها و پراکنده نشدن جماعت آنان است؛ تا آنان در میان دیگر ملل ذلیل نشوند و زیر سلطه کافران و سیطره اجانب قرار نگیرند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۹۹).

تبعیت از تکتف در مواقع ضرورت

در مورد تبعیت از اهل سنت در تکتف نیز از ایشان پرسش شد که آیا بر ما واجب است، یا آن‌که باید نماز را بدون تکتف بخوانیم که حضرت امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: «اقتدا به اهل سنت، برای رعایت وحدت جایز است و نماز خواندن با آن‌ها صحیح و مجزی است، ولی تکتف واجب نیست و جایز نیست؛ مگر در صورتی که ضرورتی آن را اقتضا کند» (همان، ج ۱: ۸۱۲).

اذان و اقامه

امام علیه السلام در این‌باره فرمود: «بیان جمله «شهد أن علیاً ولی الله» جزء اذان و اقامه نیست و جایی که خلاف تقیه است، گفتن آن حرام است و نباید بگویید» (هاشمی، ۱۳۸۲: ۷۳).

تبعیت از علمای اهل تسنن در ثبوت اول ماه

اگر اول ماه ذی‌الحجه نزد قاضی اهل تسنن ثابت شود و به آن حکم کند و نزد ما ثابت نشود، پس اگر بدون تقیه و خوفی عمل بر طبق مذهب حق ممکن باشد، باید عمل کرد؛ بلکه اگر علم به مخالفت با واقع هم باشد، بعید نیست که صحیح باشد (همان).

نام‌گذاری هفته وحدت

اهل سنت و شیعیان بر سر تاریخ ولادت پیامبر اسلام ﷺ اختلاف دارند که با همسویی و انسجام مسلمانان فاصله این دو تاریخ به‌عنوان هفته وحدت اعلام گردید و باعث ایجاد زمینه‌ای گردید تا علمای فرق اسلامی با تعامل بیشتر با یکدیگر به بحث و گفتگو بپردازند و همه مسلمانان در این جشن شرکت کنند تا وسیله وحدت میان مسلمانان باشد (همان).

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز همواره طلایه‌دار تقریب و همبستگی بوده‌اند و مصالح عالی‌امت اسلامی را بر هر چیزی مقدم می‌داشته‌اند و اقدامات مهمی را بر این راستا انجام داده‌اند؛ از جمله:

الف) تأسیس مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در سال ۱۳۶۹ با دستور حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و انتصاب دبیر کل و اعضای شورای عالی از سوی معظم له آغاز به کار کرد. این مجمع، متشکل از ده‌ها تن از علمای مذاهب اسلامی در کشورهای مختلف جهان است که به‌عنوان منادی تقریب و وحدت در جهان اسلام و زمینه‌ساز تعامل میان پیروان مذاهب مختلف اسلامی تلاش می‌کنند. رسالت مجمع جهانی تقریب عبارت است از: «ارتقای سطح آشنایی و آگاهی و تعمیق تفاهم بین پیروان مذاهب اسلامی و تقویت احترام متقابل و تحکیم رشته‌های اخوت در بین مسلمانان، بدون هیچ‌گونه تمایزی از لحاظ تعلقات فرقه‌ای، قومی یا ملی آنان، به‌منظور رسیدن به امت واحده اسلامی».

ب) فتوای حرمت بی‌احترامی به نمادهای اهل تسنن

مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۹ در پاسخ به استفتایی که در آن خواسته شده بود، معظم له نظر خود را درباره اهانت و استفاده از کلمات تحقیرآمیز و توهین‌آمیز و توهین به همسر پیامبر اسلام ﷺ ام‌المؤمنین عایشه اعلام کردند، این‌گونه فرمود: «اهانت به نمادهای برادران اهل سنت، از جمله اتهام‌زنی به همسر پیامبر ﷺ حرام است. این موضوع شامل زنان همه پیامبران و به‌ویژه سید الانبیا، پیامبر اعظم، حضرت محمد ﷺ می‌شود» (<http://www.taghribnews.com/fa/news/422020>).

ج) اعلام سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی

مقام معظم رهبری سال ۸۶ را به نام سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی نامیدند که زمینه‌ای را برای اهتمام بیشتر به امر وحدت فراهم خواهد آورد و فرمودند:

دشمنان به بهانه‌هایی همچون قومیت، مذهب و گرایش‌های صنفی، درصدد هستند وحدت کلمه ملت ایران را از بین ببرند و در جهان اسلام نیز اختلافات مذهبی را دامن بزنند و با به راه انداختن جنگ شیعه و سنی میان ملل ایران و جوامع اسلامی فاصله ایجاد کنند.

همچنین راه‌کارهایی را نیز در این زمینه ارائه فرمودند که عبارت‌اند از:

۱. تکیه بر اصول مشترک ملت‌های اسلام؛
۲. اعتماد به نفس مسلمانان؛
۳. استقلال همه‌جانبه نخبگان؛
۴. حفظ آرمان‌های اصولی؛
۵. شناخت واقعی دشمن؛
۶. برقراری روابط صمیمانه بین امت اسلامی؛
۷. امید به آینده - حرکت‌های علمی - تلاش و مبارزه.

(<https://farsi.khamenei.ir/message-cintent?id=3058>)

د) تدوین منشور وحدت اسلامی

ایشان، هم‌زمان با هفدهم ربیع الاول در سالروز میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در دیدار با مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، با اشاره به احیای هویت اسلامی و بیداری مسلمانان از طرفی و ترفندهای پیچیده استکبار، از سوی دیگر، آمادگی خوبی که در دنیای اسلام وجود دارد، مسئله منشور وحدت و لزوم تدوین آن را مطرح نمودند. ایشان در این خصوص بیان داشتند:

علاج اصلی، و داروی اصلی برای امروز دنیای اسلام، داروی اتحاد است؛ باید با هم متحد بشوند. علما و روشنفکران اسلام بنشینند و منشور وحدت اسلامی را تنظیم کنند و به‌عنوان مطالبه‌ای تاریخی، تدوین کنند (<https://farsi.khamenei.ir/speec-content?id=20534>).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در پایان به این جمع‌بندی می‌رسیم که هدف تقریب و وحدت و همبستگی مذاهب، حذف مذهبی و یا ادغام مذاهب با یکدیگر و یا سازمان‌دهی حرکت‌ها برای شیعه شدن اهل تسنن و یا سنی شدن شیعه نبوده و نیست؛ بلکه هدف اتخاذ مواضع مشترک، همدلی و همکاری فرق اسلامی

برای ایجاد تفاهم و تبادل آرای فقهی و مذهبی و نزدیکی به همدیگر در راستای دستیابی به امت واحده بوده که به تشکیل دولت بزرگ اسلامی منجر خواهد شد، از این رو، حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری بر تحقق وحدت و ایجاد بستر و شرایط مناسب برای فراهم شدن مقدمات همبستگی و فعال شدن نخبگان، علما و بزرگان مذهبی و سیاسی را به عنوان مجریان وحدت لازم دانسته و با تبیین مشترکات شیعه و سنی، انجام اصلاحات مذهبی و سیاسی را به عنوان مجریان وحدت لازم شیعه به دیگر فرق اسلامی و توجه به فقه مقارن، این هدف را عملی سازند.

از دیدگاه مقام معظم رهبری، ترقی و تعالی دنیای اسلام جز با انسجام اسلامی در سایه تقریب مذاهب امکان پذیر نیست. ایشان در مقاطع مختلف و به طور مکرر بر وحدت میان آحاد جامعه اسلامی تأکید کرده، آن را تنها راه مقابله با تهدیدهای سنگین دشمنان معرفی نموده‌اند. حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری، تمرکز بر مشترکات میان مسلمانان بر پایه منابع اصلی فقه که همان قرآن و سنت بوده که هردوی این منابع نورانی خطابشان به همه مسلمانان، حفظ یکپارچگی و دعوت به همبستگی و اتحاد به ریسمان الهی و متفرق نشدن است و در مقابل آن، آموزش و پرورش استعماری قرار دارد که ایجاد اختلاف میان امت اسلامی و تشدید تعصبات مذهبی را در دستور کار خود قرار داده است؛ بنابراین، با تأسی به سیره امامین انقلاب که تقریب و وحدت بیت الغزل اندیشه این دو بزرگوار است، می توان به دستیابی به قله های رفیع تکامل و نظام یکپارچه جهانی اسلام و امت واحده امیدوار بود، ان شاء الله.

فهرست منابع

- قرآن کریم؛
- نهج البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه فرهنگی امیرالمؤمنین علیه السلام.
- ابراهیم، سعد الدین (۱۳۹۰)، بیداری اسلامی، ترجمه کمال باغچری، تهران: نشر ابرار معاصر.
- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۶ ق)، لسان العرب، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، مؤسسه تاریخ الاسلامی.
- ابن شهید ثانی، حسن (۱۴۱۵ ق)، معالم الاصول، بیروت: دارالفکر.
- امام خمینی علیه السلام، سید روح الله (۱۳۸۵)، کتاب الطهاره، تقریر محمدفاضل لنکرانی، قم: مؤسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی علیه السلام.

- _____ (۱۳۸۵ ق)، *الرسائل*، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- _____ (۱۴۱۸ ق)، *الاجتهاد و التقليد*، تهران: مؤسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی علیه السلام.
- _____ (۱۳۶۱)، *صحیفه امام*، مجموعه رهنمودها، تهران: سازمان فرهنگی انقلاب اسلامی.
- _____ حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ ق)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، لإحياء التراث، ط ۱.
- _____ بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران: بنیاد بعثت.
- _____ بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۸۹)، *صحیح بخاری*، ترجمه عبدالعلی نور احراری، تربت جام شیخ الاسلام احمد جام.
- _____ بی آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۵۰)، *همبستگی مذاهب اسلامی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- _____ موثقی، سید احمد (۱۳۷۰)، *استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام*، قم: دفتر تبلیغات.
- _____ تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۳)، *درباره وحدت و تقریب مذاهب اسلامی*، مجمع جهانی تقریب مذاهب.
- _____ جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۱)، *صهباي صفا*، تهران: مشعر.
- _____ حکیم، سید محمدتقی (۲۰۰۱ م)، *الاصول العامه للفقهاء المقارن*، لبنان: النشر البیروت.
- _____ خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷)، *هم‌زمان حسین*، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- _____ خسروشاهی، سیدهادی (۱۳۸۹)، *سرگذشت تقریب*، تهران: انتشارات مجمع جهانی تقریب.
- _____ خوبی، ابوالقاسم (۱۴۱۸ ق)، *التنقیح فی شرح العروة الوثقی*، قم: التوحید للنشر.
- _____ دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۵)، *لغت‌نامه*، زیر نظر دکتر محمد معین، تهران: دانشگاه تهران.
- _____ راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دارالعلم.
- _____ سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۰)، *بحوث و دراسات فی التقریب بین المذاهب اسلامیة*، تهران: نشر اسلامی.
- _____ سیدمرتضی، علی بن الحسین (۱۳۷۶)، *الذریعة الی الاصول الشریعة*، تصحیح ابوالقاسم گرجی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- _____ شاکر سلماسی، مجید (۱۳۹۳)، *ظرفیت‌ها و چالش‌های تقریب مذاهب اسلامی در لبنان*، قم: چاپ ادیان.
- _____ شعیب، بهمن (۱۳۸۹)، *انقلاب‌های رنگی و انقلاب اسلامی ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- _____ طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۴ ق)، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- _____ علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۴ ق)، *مبایذ الاصول الی علم الاصول*، قم: انتشارات اسلامی.
- _____ فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۷۹)، *تفسیر الصافی*، تهران: مکتبه الصدر.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۵)، *الکافی*، ترجمه صادق حسن زاده، تهران: انتشارات قائم آل محمد علیه السلام.
- کوهن، آنتونی (۱۳۹۰)، *سرشت نمادین اجتماع*، ترجمه عبدالله گیویان، تهران: دانشکده صدا و سیما.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۱۰ ق)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ ق)، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول علیه السلام*، تهران: دارالکتاب.
- محمدی، محسن (۱۳۹۳)، *حج و تعالی جهان اسلام*، تهران: نشر مشعر.
- موسوی سنگلاخی، سید محمد یعقوب (۱۳۹۲)، *مبانی فقهی تقیة مداراتی*، قم: چاپ اسراء.
- هاشمی، سید محمد جواد (۱۳۸۲)، *امام خمینی علیه السلام و همگرایی جهان اسلام*، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در سیستان.